

در تجمع عزاداران امام صادق(ع)

**پناهیان: مفاد پیام امام صادق(ع) به ابومسلم این بود که «فراهم شدن قدرت توسط هر کس و به هر شیوه را قبول نمی‌کنیم»/ مافوق دموکراسی‌گرایی غربی! / امام صادق(ع) پاکی قدرت و احترام به درک انسان‌ها را**

**به جهان بشریت نشان داد/ یک روایت برای سیاستمداران و دولتمردان / رسول خدا(ص) حکم اعدام**

**توطئه‌کنندگان را به خاطر نفوذ افراد نادرست در میان مردم اجرا نکردند**

حجت الاسلام علی‌رضا پناهیان در سالروز شهادت امام صادق، و در جمع عزاداران صادق آل محمد(ص) که در میدان فلسطین تهران گرد آمده بودند گفت: ابومسلم خراسانی کسی بود که به اسم اهل بیت(ع) قیام کرد، اما دستورات اهل بیت(ع) را در مسیر قیام خودش رعایت نمی‌کرد. او حتی شعارهای اهل بیته می‌داد و می‌گفت که می‌خواهم انتقام خون اهل بیت(ع) را بگیرم. او علیه بنی‌امیه و بنی‌مروان قیام کرده بود و صدها هزار نفر را به کشتن داد ولی نتیجه قیام او حکومت بنی‌عباس شد؛ بنی‌عباسی که کمتر از بنی‌امیه به اهل بیت(ع) ظلم نکردند.

**در ادامه فرازهایی از سخنان ایشان را می‌خوانید:**

**امام صادق(ع) نورانیت و پاکی قدرت و احترام به درک و فهم انسان‌ها را به جهان بشریت نشان داد /**

**خیلی‌ها از امام صادق(ع) خواستند برای به دست گرفتن قدرت قیام کنند ولی چون مردم زمانه، بصیرت**

**لازم را نداشتند حضرت قبول نکرد**

• ما نباید امام صادق(ع) را فقط رئیس مذهب تشیع بدانیم، بلکه ایشان رئیس جهان اسلام است، و رؤسای همه مذاهب به امام صادق(ع) احترام می‌گذارند. امام صادق(ع) افتخار جهان اسلام است. ایشان نورانیت و پاکی قدرت، احترام به حقوق انسان‌ها، و احترام به درک و فهم انسان‌ها را به جهان بشریت نشان داد.

• فقط بُعد علمی و تعلیماتی امام صادق(ع) نیست که به ایشان عظمت داده است. نحوه برخورد ایشان با مقوله قدرت و سیاست هم خیلی موجب عظمت یاد ایشان است. در جهان اسلام آن زمان که خیلی هم وسعت پیدا کرده بود، افراد زیادی آمدند و از ایشان خواستند که برای به دست گرفتن قدرت قیام کنند ولی حضرت نگاه کردند و دیدند مردم زمانه، آن بصیرت و همت لازم را ندارند لذا قبول نکردند و به دوستان خود و به دیگران جواب رد دادند. حتی این موجب شد دیگران ببینند و قدرتی که برای ایشان مهیا بود را تصاحب کنند و به خود ایشان ظلم کنند. این نحوه برخورد امام صادق ع با مقوله قدرت چه پیامی برای امروز ما دارد؟

**مفاد پیام امام صادق(ع) به ابومسلم: فراهم شدن قدرت توسط هر کس و به هر شیوه را قبول نمی‌کنیم /**

**اهمیت پاکی قدرت نزد امام صادق(ع)**

• **ابومسلم خراسانی کسی بود که به اسم اهل بیت(ع) قیام کرد، اما دستورات اهل بیت(ع) را در مسیر قیام خودش رعایت نمی‌کرد. او حتی شعارهای اهل بیته می‌داد و می‌گفت که می‌خواهم انتقام خون اهل بیت(ع) را بگیرم، (الحیاه السیاسیه للامام الرضا(ع)، جعفر مرتضی‌العالمی/ص ۲۹-۴۳) او علیه بنی‌امیه و بنی‌مروان قیام کرده بود و صدها هزار نفر را به کشتن داد ولی نتیجه قیام او حکومت بنی‌عباس شد؛ بنی‌عباسی که کمتر از بنی‌امیه به اهل بیت(ع) ظلم نکردند. ابومسلم در مسیر حرکت خودش وقتی به امام صادق(ع) نامه نوشت که ما**

داریم قدرت را برای شما فراهم می‌کنیم(إِنِّي دَعَوْتُ النَّاسَ إِلَى مُؤَالَةِ أَهْلِ الْبَيْتِ فَإِنْ رَغِبْتَ فِيهِ فَأَنَا أَبَإَيْتِكَ؛ همان منبع/ص ۴۱)، حضرت یک جواب کوتاه و بسیار عمیق به او داد و فرمود: «تو از مردان من نیستی و زمانه هم زمانه من نیست؛ ما آنت من رجالی و لا الزمان زمانی»(همان منبع) یعنی هر کسی و به هر شیوه‌ای برای ما قدرت فراهم کند، ما از او قبول نمی‌کنیم. این سخن نشان‌دهنده نگاه حضرت به پاکی قدرت است.

• **اگر امروز در دانشگاه‌های دنیا بخواهند به صورت نظری از آزادی و رعایت حقوق بشر و دخالت انسان‌ها در سرنوشت خودشان سخن بگویند و به زیباترین صورت و حتی به صورت غیرواقع‌بینانه و خیالی از دموکراسی و از ارزش آدم‌ها چیزی بگویند سخنی پیشرفته‌تر از این سخن امام صادق(ع) پیدا نمی‌کنند.**

• **حضرت به ابومسلم خراسانی می‌فرماید «تو آدم ما نیستی».** یعنی درست است که به ظاهر داری برای ما شمشیر می‌زنی، ولی ما این کار تو را نمی‌توانیم قبول کنیم، چون تو در شمشیر زدن تقوا را رعایت نمی‌کنی، چون دستورات الهی و حقوق آدم‌ها را که خدا مقرر کرده است، رعایت نمی‌کنی.

• **شاید اگر بسیاری از مذهبیبون یا آزادی‌خواهان به زندگی ابومسلم خراسانی نگاه کنند، از او تقدیر کنند و بگویند او داشت مردم را از ظلم سفاکان بنی‌مروان نجات می‌داد، ولی امام صادق(ع) این آدم را انتخاب نکرد و فرمود تو آدم من نیستی! اگر ما بودیم، شاید می‌گفتیم: چون بالاخره دارد یک کاری می‌کند که قدرت دست آدم‌های صالح بیفتد و همین مقدارش خوب است! ولی حضرت او را انتخاب نکرد.**

**باید پای همه دین ایستاد/ اینکه فقط قسمت‌هایی از دین رعایت شود و بقیه عمداً دور ریخته شود و به**

**چند شعار دینی و انقلابی اکتفا شود ارزش ندارد**

• اهل بیت(ع) این‌طور نیستند که به هر قیمتی بخواهند قدرت و حاکمیت را به دست بیاورند، ارزش این نگاه را امروز مردم مغرب زمین که خیلی فضای ذهنی آنها را سخنان آزادی‌خواهانه و حقوق بشری پر کرده است خیلی بهتر می‌فهمند و قدر یک چنین شخصیت بزرگی را می‌دانند. امام صادق(ع) در آستانه تصاحب قدرت بود ولی حاضر نشد قدرت را به دست بگیرد. هیچ امامی به اندازه امام صادق(ع) یار نداشت ولی حضرت یاری آنها را قبول نکردند و فرمودند این یاری شما ظاهری است، شما باید بتوانید پای همه دین خوب بایستید. اینکه فقط قسمت‌هایی از دین رعایت شود و بقیه عمداً دور ریخته شود و به چند شعار دینی و انقلابی اکتفا شود ارزش ندارد. خیلی اهمیت دارد که ما این مطلب را در ذهن خودمان داشته باشیم و در مواقع مختلف به آن توجه کنیم.

• **باید دید چه کسانی واقعاً در حد آدم‌های امام صادق(ع) و آن ۳۱۳ نفری که حضرت منتظرشان است، هستند. شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: چرا نشسته‌اید و برای گرفتن حقتان قیام نمی‌کنید؟ به خدا قسم اگر امیرالمومنین(ع) این تعداد یار و یاور داشت (صد هزار، بلکه دویست هزار نفر) هرگز دیگران در گرفتن حق وی طمع نمی‌کردند! آنگاه امام صادق فرمود: اگر به تعداد این گوسفندان یاور داشتم قیام می‌کردم! وقتی گوسفندان را شمردند، دیدند تنها هفده عدد بودند! (... قَال: وَ اللَّهُ يَا سَدِيرُ لَوْ كَانَ لِي شِيعةٌ بِعَدَدِ هَذِهِ الْجَدَاءِ مَا وَسَعَتِي الْقُوْدُ وَ نَزَلْنَا وَ صَلَبْنَا فَلَمَّا فَرَعْنَا مِنَ الصَّلَاةِ عَطَفْتُ عَلَى الْجِدَاءِ فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ سَبْعَةٌ عَشْرٌ؛ کافی/ج ۱/ص ۲۴۲)**



- معنایش این است که اگر قدرت در دست اهل بیت (ع) باشد، کارگزاران حکومت در آسایش و راحتی نخواهند بود بلکه باید شبانه روز برای خدمت به مردم تلاش کنند. لذا امام زمان (ع) نسبت به دو گروه سخت گیر هستند، یکی دشمنان، و دیگری دوستان و کارگزاران خودشان. یعنی به کارگزاران خودشان هم خیلی سخت گیر هستند و از آنها توقع کار و خدمت شبانه روزی دارند.

### رسول خدا (ص) حکم اعدام توطئه کنندگان را به خاطر نفوذ افراد نادرست در میان مردم اجرا نکردند!

#### اتکای قوت و ضعف حکومت دینی به معرفت مردم

- البته گاهی یک حکومت دینی هم به خاطر ضعف معرفت مردم، مشکلاتی برایش پیش می آید و ضعیف می شود و افراد نادرست هم در حکومت نفوذ پیدا می کنند. که برای رفع این مشکلات هم باز نیاز به معرفت و بصیرت مردم و خواص جامعه است. کما اینکه در حکومت پیامبر گرامی اسلام (ص) عده ای از همین افراد نادرست حتی قصد ترور پیامبر (ص) را داشتند. اما وقتی توطئه آنها لو رفت و موفق نشدند، یکی از یاران حضرت به نام حذیفه از ایشان خواست این خائنین را اعدام نماید و یا لااقل آنها را رسوا کند، حضرت در پاسخ به او فرمود: مردم معرفتش را ندارند و لذا نمی توانند این مسأله را تحمل کنند و (به دنبال سخن افراد دارای نفوذ در مردم) برای ما حرف در می آورند و می گویند: پیامبر اکرم (ص) یاران خودش را زد. (اَكْرَهُ أَنْ يَتَحَدَّثَ النَّاسُ وَيَقُولُوا إِنَّ مُحَمَّدًا قَدْ وَضَعَ يَدَهُ فِي أَصْحَابِهِ: اعلام الوری/۱۳۳)

- حکومت دینی خیلی به معرفت حقیقی مردم وابسته است. البته وقتی حکومت دینی برقرار شد، دیگر اگر کسانی مثل طلحه و زبیر که بهانه درست کردند و جلوی امیرالمؤمنین (ع) و حکومت حق ایستادند، حضرت آنها را از دم شمشیر می گذراند. اگر گروهی از مردم فریب خوردند یا به شقاوت افتادند مثلاً به صورت خوارج در مقابل علی (ع) قرار گرفتند، حضرت بعد از نصایح فراوان، همه آنها را هم از دم شمشیر می گذراند. وقتی حکومت حق برقرار شد، اگر کسی مثل معاویه در مقابل حضرت ایستاد و کاخ سبز خود را تحویل نداد، حضرت با او نبرد کرد. وقتی امام زمان (ع) ظهور بفرمایند و آن حکومت حق برقرار شود، اگر کسانی بخواهند مردم فریبی کنند و به هر طریقی سد راه بشوند، حضرت آنها را هم گردن خواهد زد.

- **زیباترین جلوه پاکي قدرت را در دستان امام صادق (ع) می توانید ببینید. درست است که امام صادق (ع) حکومت نکردند، ولی نحوه حکومت کردن را نشان دادند، امروز این افتخار ما برای اهل عالم است که امام صادق (ع) در موضوع قدرت این گونه برخورد کردند. البته امام صادق (ع) تمام تلاش خود را برای افزایش معرفت مردم و ایجاد انسجام بین مومنین انجام دادند و در جهت تشکیل حکومت به صورت اساسی اقدام کردند، اما در آن مقطع به نتیجه نرسید.**

### تحمیل نکردن از سوی اهل بیت (ع) فقط جنبه اجتماعی و حکومتی ندارد، بلکه جنبه فردی هم دارد!

#### اهل بیت (ع) کسی را وادار به تبعیت و پیروی و خدمتگزاری نمی کنند

- این تحمیل نکردن از سوی اهل بیت (ع) فقط جنبه اجتماعی و حکومتی ندارد، بلکه جنبه فردی هم دارد. دوستان امام صادق (ع) باید خیلی مراقب باشند. اهل بیت (ع) به این سادگی ها کسی را وادار به تبعیت و پیروی و خدمتگزاری نمی کنند. امامان ما به قدری بزرگوار هستند، که چیزی را به کسی تحمیل نمی کنند. یک وقت فکر نکنید که امام زمان (ع) عشق را به شما تحمیل می کند، بلکه فرصت می دهد شما خودت عاشق بشوی. یک وقت فکر نکنید ایشان فرشته ای را می فرستد که شما را در زندگی تان در یک تنگنایی قرار دهد تا مجبور شوید به حضرت کمک کنید! اصلاً این طور نیست. منتظر نباشید کسی شما را مجبور کند به امام زمانت خدمت

کنی، آزاد باش، جمعه هایت مال خودت است، و می توانی به تفریح و سرگرمی خودت برسی. مجبور نیستی برای دین و امام زمان و امام حسین خودت وقت بگذاری. اگر خودت فهمیدی، عاشق شدی و منت کشیدی، شاید این توفیق را به تو بدهند.

- آیه «أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ» (هود/۲۸) را که زبان حال امام صادق (ع) هست را حتماً شنیده اید، یعنی «من ما شما را به پذیرش آن مجبور نمی کنیم در حالی که از آن کراهت دارید» این آیه کریمه، سخن حضرت نوح (ع) است که به اهل عالم اعلام می کند: هر کسی دین را نخواهد، خداوند متعال او را مجبور به دین داری نمی کند. به این سادگی ها خدا حاضر نمی شود توفیق دین داری به او بدهد.

- این ما هستیم که باید این قدر برویم در خانه امام صادق (ع) منت بکشیم، تمنّا کنیم، تقاضا کنیم تا آقا به ما عنایت کنند. ولی وقتی عنایت کنند، دیگر کم عنایت نمی کنند. ما دوستان امام زمان (ع) دوست داریم حضرت بیاید به هر نحوی شده دست دل ما و بچه های ما را بگیرد، و به سمت خودش بکشاند و ببرد. ممکن است خیلی ها بگویند: ما از این آزادی خسته شده ایم، بیا ما را به عنوان بنده و غلام خودت قبول کن. اما حضرت به این سادگی قبول نمی کند. دستگاه اهل بیت (ع) این طوری است.

- چرا امام صادق بعد از ۱۴۰۰ سال هنوز غریب هستند؟ چون ناز کسی را نمی کشند. لذا وقتی شخصی آمد و به امام صادق (ع) گفت: قیام کنید و ما آماده ایم پای رکاب شما شمشیر بزنیم و خودمان را برای شما بکشیم! حضرت به او فرمود: خُب بلند شو برو توی تنورا گفت آخر تنور آتش داغ است، مرا به آتش نیافکنید. حضرت بلافاصله فرمود خُب لازم نیست بروی. بعد یکی از دوستان و شیعیان واقعی حضرت از راه رسید و حضرت به او فرمودند برو توی تنور. گفت چشم آقا! اصلاً سؤال نکرد و بلافاصله وارد تنور آتش شد. بعد از اینکه مدتی گذشت، حضرت به آن مرد اول، فرمود: خیلی نگران رفیق مان که در داخل تنور است، هستی برو نگاه کن. او هم رفت دید و دید که داخل تنور نشسته و دارد ذکر می گوید و آتش برای او «بردا و سلاماً» است. (سُئِمَ قَالَ قِمِّ يَا خُرَّاسَانِيَّ وَ انْظُرْ مَا فِي التَّنُورِ قَالَ قَمَّمْتُ إِلَيْهِ فَرَأَيْتُهُ مُتْرَبِعًا فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَ سَلَّمَ عَلَيْنَا فَقَالَ لَهَ الْإِمَامُ ع كَمْ تَجِدُ بِخُرَّاسَانَ مِثْلَ هَذَا فَقُلْتُ وَ لَأَ وَاجِدَا؛ مناقب آل ابیطالب ع/ج ۴/ص ۳۳۷)

- نه اینکه این دوستان خاص اهل بیت (ع)، مقلدهای چشم و گوش بسته ای هستند و تبعیت کورکورانه می کنند، نه! این قدر عقل دارد که بداند حضرت بی حساب حرف نمی زند. یعنی خیلی عقلش می رسد و از حضرت حکمت های فراوان دیده است.

(۱) امیرالمؤمنین (ع): رهایم کنید و غیر مرا بخواهید، زیرا ما با حادثه ای روبرو هستیم که آن را چهره ها و رنگهاست، حادثه ای که دلها بر آن استوار، و عقلا بر آن پایدار نمی ماند. آفاق حقیقت را ابر سیاه گرفته، و راه مستقیم دگرگون و ناشناخته شده است. بدانید اگر خواسته شما را پاسخ دهم بر اساس آنچه خود می دانم با شما رفتار می کنم، و به گفتار هیچ گوینده و سرزنش هیچ سرزنش کننده ای توجه نمی کنم. و اگر رهایم کنید مانند یکی از شما خواهم بود، و چه بسا از شما شنوتر و فرمانبردارتر باشم نسبت به کسی که حکومت خود را به او می سپارید. و من برای شما وزیر باشم، به است از اینکه امیر باشم؛ دَعُونِي وَ التَّمِسُوا غَيْرِي فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْرًا لَهُ وَجْهٌ وَ أَلْوَانٌ لَا تَقُومُ لَهُ الْقُلُوبُ وَ لَا تَثْبُتُ عَلَيْهِ الْعُقُولُ وَ إِنَّ الْأَفَاقَ قَدْ أَعَامَتِ وَ الْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَكَّرَتْ. وَ اعْلَمُوا أَنِّي إِنْ أَجَبْتُكُمْ رَكِبْتُ بِكُمْ مَا أَعْلَمُ وَ لَمْ أَسْئَلْ إِلَى قَوْلِ الْفَائِلِ وَ عَثَبِ الْعَاتِبِ وَ إِنْ تَرَكْتُمُونِي فَأَنَا كَأَحَدِكُمْ وَ لَعَلِّي أَسْمَعُكُمْ وَ أَطُوعُكُمْ إِيَّاهُ وَ لَيْسَ مَعَكُمْ وَ أَنَا لَكُمْ وَ زِيرٌ خَيْرٌ لَكُمْ مِنِّي أَمِيرٌ وَ نِزْ خُطَابٌ بِكُمْ مِمَّنْ فَرَمُونَد: لَا حَاجَةَ لِي فِي أَمْرِكُمْ فَصَ اخْتَرْتُمْ رَضِيْتُ بِهِ؛ الكامل في التاريخ، ج ۳، ص: ۱۹۰

